

اسمش را نیار، خودش را بیار

۱۹ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۲۱

دهقان گفت: ای جوان! خدای تعالی می داند که غیر از جل گاوی هیچ چیزی ندارم. اگر اجازت فرمایی بر تو پوشم

ملک علاء الدین از فرمانروای سلسله غوریان (۵۵۶-۵۴۴ ق) قصد بهرامشاه کرد و بهرامشاه با او در کنار آب باران مصاف داد.

بهرامشاه با وجود این که دویست فیل جنگی داشت از علاء الدین شکست خورد و شب از شدت سرما به خانه دهقانی پناه برد.

گفت: طعام چه داری؟

مرد دهقان پنیر و پونه لب جویی آورد. چون تناول کرد به استراحت مشغول شد و از دهقان روانداز طلب کرد.

دهقان گفت: ای جوان! خدای تعالی می داند که غیر از جل گاوی هیچ چیزی ندارم. اگر اجازت فرمایی بر تو پوشم.

سلطان گفت: نامش را نیاور، خودش را بیاور.

دهخدا، امثال و حکم، ج ۱، ص ۱۷۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۹۹۱/اسمش-نیار-خودش-را-بیار>